

حقیقت قربانی چشم‌های بسته رسانه‌های جریان اصلی

یوشش رسانه‌های غرب از حمله صهیونیست‌ها به غزه، متعصبانه بود یا غیرحرفه‌ای؟

مهرداد زمانی خبرنگار

اگر تصاویر غزه را نمی‌بینید، اگر ده‌گامی که فلسطینی‌ها هنگام از دست دادن عزیزان ششان می‌خوانند را نشنیده‌اید، اگر از داستان زندگی کسانی که شهید می‌شوند، مطلع نمی‌شوید... پس پوشش خبری رسانه‌ای که دنبالش می‌کنید از این روزهای غزه کامل و درست نیست...

بیش از هفت ماه از جنگ غزه می‌گذرد و خبرهای جنایات صهیونیست‌ها در غزه، بیش از ۲۰۰ روز است که در رسانه‌های مختلف دنیا منتشر می‌شود. برخی در پوششش این خبرها از استراتژی‌های مختلف استفاده می‌کنند؛ بزرگنمایی، کوچک‌نمایی و حتی شایعه‌سازی. شایعه‌سازی مشابه خبری است که روزهای ابتدایی حمله صهیونیست‌ها به غزه، خبرنگار سسی‌ان آن را مطرح کرد: «نوزادانی که سرهایشان توسط حماس بریده شده بود» خبری که به سرعت به صدر اخبار رسانه‌ها آمد و حتی هنوز هم غربی‌ها آن را تکرار می‌کنند؛ خبری بدون منبع و دروغ؛ این ادعاهای غیرمستند طرف‌های صهیونیستی به صفحات اول خبرگزاری‌های غربی هم رسید. علی‌رغم کمیبود شواهد، این ادعاها در ایندپیندنت، فاکس نیوز، نیویورک‌پست و دیگر رسانه‌های غربی منتشر شد، حتی جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا هم گفت که او تصاویری از نوزادان تکه‌تکه شده را در ۱۲ اکتبر دیده است. البته کاخ سفید کمی بعد از اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا عقب‌نشینی کرد و گفت «بایدن چنین تصاویری را ندیده و گزارش‌های خبری را دیده است.» «لینا موزیز»، نویسنده و منتقد لبنانی که برای سازمان‌های خبری بزرگ غربی یادداشت می‌نویسد، می‌گوید که این ادعا و سایر ادعاهای غیرمستند مانند تجاوز به صد‌ه‌ه‌ازن صهیونیست توسط حماس، تلاشی برای ایجاد حمایت عمومی از واکنش نظامی رژیم در غزه بود. کارشناسان رسانه‌ای می‌گویند برخی از رسانه‌ها، جنایت جنگی صهیونیست‌ها در غزه را مشروعیت می‌بخشند. کارشناسان روزنامه‌نگاران عرب هم معتقدند که انتشار ادعاهای غیرمستند و بیان یک طرفه ما‌جرأ، اشتباهات غیرحرفه‌ای هستند که رسانه‌های غربی در پوشش خبرهای نسل‌کشی در غزه مرکب می‌شوند. سوگیری سیستماتیک به نفع صهیونیست‌ها به اعتبار رسانه‌های خبری که از نظر اعراب جریان اصلی تلقی می‌شوند، آسیب‌جران‌ناپذیری به صداقت اخبار وارد می‌کند. کارشناسان می‌گویند درحالی‌که سازمان‌های رسانه‌ای غربی، فلسطینی‌ها را غیرانسانی می‌خوانند و نقض حقوق بین‌الملل صهیونیست‌ها را مشروعیت می‌بخشد، اسرائیل غزه را بمباران می‌کند. در رسانه‌ها آسیب‌هایی که فلسطینیان در ۷۵ سال گذشته متحمل شده‌اند، سانسور می‌شود.

پوشش خبری یک‌طرفه

عملیات هفتم اکثر مقاومت اسلامی در عمق سرزمین‌های اشغالی به اذعان کارشناسان غربی شکست نظامی اطلاعاتی صهیونیست‌ها را رقم زد. پس از این عملیات بود که صهیونیست‌ها بمباران بی‌امان غزه را آغاز کردند تا بیش از ۳۵ هزار نفر از مردم این منطقه به شهادت برسند و هزاران نفر نیز مفقود و آواره شوند. بخش بهداشت غزه ویران شده و بسیاری از زیرساخت‌های شهر از بین رفته است. رژیم با قطع سوخت، آب و غذا محاصره خفه‌کننده مردم، طبق قوانین بین‌المللی بشری‌رسانه، مرکب جنایت جنگی شد. کارشناسان سازمان ملل می‌گویند فلسطینیان در غزه حالا با خطر نسل‌کشی روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، خبرنگاران غربی به سرزمین‌های اشغالی رفتند و در آنجا گزارش‌های بسیاری درباره غم و اندوه خانواده‌های صهیونیست منتشر کردند. صهیونیست‌ها به خبرنگاران خارجی، اجازه ورود به غزه را ندادند. این بدان معناست که آنها یک جنبه حیاتی از ماجرا را از دست داده‌اند. این نشان می‌دهد که رسانه‌های جریان اصلی غرب، فقط روایت صهیونیست‌ها را «پوشش» نمی‌دهند، بلکه روایت صهیونیست‌ها را «زندگی» می‌کنند. یکی از نمونه‌ها در پوشش خبری بشری‌رسانه‌های غربی، مشهود است. این رسانه‌ها عاملان‌ه از عبارت «قربانیان» در رابطه با فلسطینی‌هایی که توسط رژیم صهیونیستی به شهادت می‌رسند، استفاده نمی‌کنند اما وقتی گزارشی درباره طرف صهیونیست منتشر می‌شود، این عبارت بارها و بارها تکرار می‌شود. بسیاری از شبکه‌های رسانه‌ای غربی به جای پوشش تلفات انسانی در غزه، از کشته‌شدگان فلسطینی به‌عنوان اعداد یاد می‌کنند یا سخنان آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها از جمله «حق دفاع» اسرائیل از خود و استفاده حماس از غیرنظامیان در غزه به‌عنوان «سپر انسانی» را تکرار می‌کنند. «آرودایمون»، خبرنگار سابق سی‌ان‌ان که اکنون یکی از اعضای ارشد غیرمقیم شورای آتلانتیک در واشنگتن می‌شود، معتقد است که این «استانداردهای دوگانه» نشان‌دهنده گرایش گسترده‌تر سازمان‌های رسانه‌ای غربی برای نشان دادن مسلمانان و اعراب به‌عنوان «کمتر از انسان» است. او



می‌گوید: آنچه در حال حاضر می‌بینم تکرار آن چیزی است که در ۱۱ سپتامبر دیدیم، به‌ویژه از نظر پوشش؛ جایی که عرب‌ها و مسلمانان با قلم‌موی تئوریست بودن رنگ‌آمیزی شدند و مورد تحقیر قرار گرفتند.» در نمونه‌ای دیگر از پوشش رسانه‌ها، وقتی فلسطینی‌ها برای صحبت با شبکه‌های خبری غربی دعوت می‌شوند، اغلب از آنها سوال می‌شود که «آیا حماس را محکوم می‌کنند یا خیر»، درحالی‌که از میهمانان صهیونیست به‌ندرت خواسته می‌شود که سیاست‌های آپارتایدی دولت‌شان در کرانه باختری یا محاصره و بمباران غزه را محکوم کنند. هر رسانه غربی در هر گزارشی که از عملیات طوفان الاقصی یا اتفاقات غزه منتشر می‌کند، مدام ذکر می‌کنند که «حماس یک گروه تروریستی» است. اما دموارد اشاره به آنچه صهیونیست‌ها انجام می‌دهند، هیچ محکومیتی در کار نیست، این در حالی است که صهیونیست‌ها قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند؛ مرکب نسل‌کشی می‌شوند؛ نظام آپارتاید را در کرانه باختری تحمل و حدود ۱۷ سال است که غزه را محاصره کرده‌اند.

قاب‌بندی کاذب

تداوم چهارچوب‌بندی مغرضانه، روایت کلی پیرامون جنگ امروز غزه را به‌عنوان یک حمله تروریستی شکل می‌دهد که باعث انتقام جویی مشروع شد. بنابراین به‌حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به ۲۳ میلیون غیرنظامی غزه مشروعیت می‌بخشد. خطر چنین قاب‌بندی‌ای این است که نه‌تنها به مخاطب می‌گوید چه کسی قربانی و چه کسی شرور است، بلکه به مخاطب می‌گوید چه کسی شایسته اندوه و همدردی است و چه کسی نیست. رسانه‌های غربی با توصیف صهیونیست‌های زیر ۱۸ سال به‌عنوان «کودک» و تمرکز منحصر بر داستان‌های شخصی و رنج‌های شهروندان صهیونیست، یک طرف را انسان‌سازی می‌کنند و طرف دیگری فلسطینی‌ها را غیرانسان روایت می‌کند. درکنار این انسان‌سازی گزینشی، رسانه‌های غربی همواره از ارائه زمینه‌کافی پیرامون عملیات طوفان الاقصی غفلت کرده‌اند. رسانه‌های غربی با توصیف این عملیات به‌عنوان حمله‌ای وحشیانه، به ۷۵ سال اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها و ۵۶ سال اشغال نظامی و رنج مردم فلسطین تحت حاکمیت رژیم را نادیده گرفته‌اند. این بدان معناست که مخاطبان غربی – که عمدتاً اطلاعات محدودی در مورد این پیشینه تاریخی دارند– فاقد بستر لازم برای درک وضعیت کنونی هستند، حتی رویدادهای مهم اخیر، مانند خشونت در کرانه باختری و تحریکات نظامیان صهیونیست و شهرک‌نشینان افراطی یهودی در سومین مکان مقدس مسلمانان جهان، «مسجد الاقصی»، در رابطه با غزه و حماس نادیده گرفته می‌شوند. متأسفانه این الگوی تکراری کادربندی و برجسب‌گذاری در رسانه‌های غربی، از سی‌ان‌ان گرفته تا فاکس نیوز یکی بوده است.

این متن‌زدایی همراه با الگوهای منحرف و یکطرفه پوشش، حتی باعث شده



برخی روزنامه‌نگاران غربی نسبت به مدیریت رسانه‌های خودشان با این بحران اعتراض کنند. برخی روزنامه‌نگاران انگلیسی، کانادایی و آمریکایی با نوشتن نامه‌های سرگشاده، ناراضیاتی خود را از این مسأله ابراز و اعتراض کرده‌اند یا حتی شغل خود را ترک کرده‌اند تا ناراحتی خود را از این پوشش ابراز کنند.

اخراج از کار درصورت پوشش درست جنگ

برخی روزنامه‌نگاران در رسانه‌های غربی ممکن است بخواهند گزارش دقیق‌تری تولید کنند اما بسیاری از آنها می‌ترسند که اگر علیه تعصبات شبکه‌شان در وفاداری از صهیونیست‌ها گزارش بدهند یا صحبت کنند، زندگی و شغل خود را از دست بدهند. خبرنگاران روزنامه‌های غربی می‌گویند رسانه آنها دستور داده در هیچ تظاهراتی شرکت نکنند یا چیزی در حساب‌های شبکه‌های اجتماعی خودشان که حاکی از همدردی با فلسطینی‌هاست، منتشر نکنند. یکی از خبرنگاران مستقل انگلیسی درباره تجربه‌اش از این نوع پوشش خبری گفت: «همکار یهودی من از اینکه نمی‌تواند هزینه واقعی انسانی بمباران غزه توسط صهیونیست‌ها را به‌خوندگانش بگوید، متفرد است. او از پوشش سردبیرش از جنگ ناراحت است.»

برخی روزنامه‌نگاران که حتی درباره جنگ گزارش نمی‌دهند، فقط به دلیل اظهارنظر یا اقداماتی که دلالت بر همدلی با قربانیان غزه دارد، از کار اخراج شده‌اند. مایکل آیزن، روزنامه‌نگار یهودی که در مجله علمی Elife کار می‌کرد، گفت که شغلش را به‌دلیل انتشار محتوایی درباره فلسطین از دست داده است. گفته می‌شود خبرنگاران بی‌بی‌سی به‌چهارچوب‌بندی تلویزیون انگلیس از جنگ غزه اعتراض کرده‌اند. درحالی‌که بی‌بی‌سی در توصیف عملیات طوفان الاقصی از کلماتی مانند «قتل عام» و «وحشی‌گری» استفاده کرده، از توصیف بمباران غزه توسط صهیونیست‌ها به شیوه‌ای مشابه خودداری کرده است.

شبکه‌های اجتماعی فعال شدند

رئیس مرکز نظارت بر رسانه مستقر در انگلیس درباره پوشش خبری رسانه‌ها گفته که پوشش رسانه‌ای در مورد جنگ صهیونیست‌ها علیه غزه ما را تقریباً سال‌ها به عقب برده است. او می‌گوید درحالی‌که حامیان صهیونیست‌ها پیام‌شان را به‌راحتی در رسانه‌های جریان اصلی غربی منتشر می‌کنند، صداهای طرفدار فلسطین تنها در صورتی مجاز به صحبت هستند که عملیات طوفان الاقصی و حماس را محکوم کنند.

او همچنین تأکید کرد تناقض‌هایی وجود دارد که در آن به افراد بستریهایی در رسانه‌های جریان اصلی داده می‌شود تا صدای خود را در مورد جنگ به گوش مردم برسانند. البته اولویت با سخنگویان یا کارشناسان صهیونیستی است و اگر فلسطینی‌ها دعوت شوند، ابتدا باید حماس را محکوم کنند بعد درباره جنگ

حرف بزنند. او می‌گوید در هفته‌های ابتدایی حملات به غزه، رژیم بدون شک از مزیت جنگ تبلیغاتی برخوردار بود و بر همه پلتفرم‌های رسانه‌ای تسلط خود را نشان می‌داد. اما کمی بعد متوجه شد روایت‌ها درحال تغییر است، چون شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار جالب و مهمی را ایفا کرده‌اند، به‌ویژه برای مخاطبان جوان‌تر که حالا می‌توانستند مستقیماً منابع در غزه را دنبال کنند.

همه این عوامل نتیجه ناگوار این بوده که روایتی نادرست پیرامون این جنگ غم‌انگیز در اذهان میلیون‌ها نفر در غرب ترسیم کنند. کلمات مهم هستند، مانند کادربندی و زمینه. آنها بیشترین اهمیت را در بحیوچه یک کارزار نظامی تهاجمی دارند که جان هزاران بی‌گناه را گرفته است که عمدتاً زنان، کودکان و حتی نوزادان در انکوباتور هستند. قابل توجه است، درحالی‌که دروغی مبنی بر بیرون کشیدن نوزادان از انکوباتورهای بیمارستانی کویت و مرگ نوزادان توسط سربازان عراقی، برای توجیه اولین حمله آمریکا به عراق مورد استفاده قرار گرفت، واقعیت مرگ نوزادان در انکوباتورها در غزه به دلیل اقدامات صهیونیست‌ها منجر به آتش‌بس نشد. در عوض، رسانه‌های غربی چشم‌شان را بستند و حتی این استانداردهای دوگانه آشکار را تداوم بخشیده‌اند.

این درحالی است که شبکه‌های اجتماعی از نظر جنگ روایت‌ها شمشیری دولبه بوده‌اند. از یک سو، شبکه‌های اجتماعی پنجره‌های مهمی برای پوشش جایگزین هستند و به‌تمام جهان این امکان را می‌دهند تا رنج روزانه مردم فلسطین را ببینند، چیزی که از طریق رسانه‌های جریان اصلی غربی امکان‌پذیر نبوده و نیست. همین موضوع به خشم گسترده ازجمله تظاهرات بزرگ طرفداران فلسطین در سراسر جهان کمک کرده است. از سوی دیگر این امر همچنین به انتشار بسیاری از ادعاهای بی‌اساس و دروغ‌های تأییدنشده توسط رسانه‌های جریان اصلی غربی کمک کرده است.

شاید امیدوی به این واقعیت وجود دارد که رسانه‌های غربی بیش از هر زمان دیگری صدای فلسطینی‌ها را پخش کرده‌اند و اعتراضات خیابانی گسترده علیه حمله رژیم در پایتخت‌های سراسر جهان برگزار شده است. همچنین دلگرم‌کننده است که پوشش جایگزین از طریق رسانه‌های اجتماعی قابل مشاهده است. بااین حال، برای نزدیک شدن به پوشش متعادل و عادلانه این جنگ وحشیانه، به چیزهای بیشتری نیاز است. امید واقعی در تغییر افکار عمومی بین‌المللی و پوشش روایت‌های جایگزین در رسانه‌های اجتماعی نهفته است. اینکه آیا این قضا می‌تواند منجر به تغییر مثبت در پوشش رسانه‌های بین‌المللی از این موضوع التهابی و حساس در حرکت رو به جلو شود یا خیر.

شاید جمله «حقیقت اولین قربانی جنگ است» کلیشه‌ای باشد، اما در قرن بیست‌ویکم با وجود پیشرفت رسانه‌ها، شاهد این حقیقت هستیم. در این هفت ماه یا بهتر است بگوییم در این ۷۵ سال و هفت ماه، ما فقط شاهد فروپاشی بشریت نیستیم، ما شاهد یک فروپاشی در حرفه روزنامه‌نگاری هستیم.



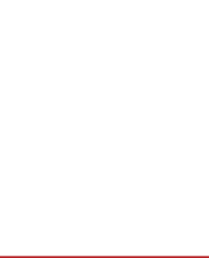
نظام حکمرانی است. این مشارکت هم مانند عملیات وعده صادق مایه اقتدار بیشتر و تأیید پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی و نظام حکمرانی است. ۴- نقش رسانه ملی و رسانه‌های کلان کشور در نمایش آنچه از سوی مردم مورد مطالبه است و آنچه که از سوی نامزدهای انتخابات ارائه می‌شود، بسیار مهم است. رسانه در انعکاس حقیقت انتخابات در ایران و پرهیز از جهت‌گیری‌های خاص، بسیاری از فرازوفرودهای انتخاباتی را رقم می‌زند. انتظار این است که با توجه به موج ایجاد شده مثبت در سرمایه اجتماعی کشور و تأثر عمومی افکار عمومی، این رسانه با برنامه‌ریزی درست و دقیق به‌گونه‌ای فضای تبلیغاتی و شور انتخاباتی را مدیریت کند که مردم همچنان رای خود را اثرگذار بدانند و به قدرت نقش‌آفرینی خود در مسائل کلان کشور باورمند باشند. این عملکرد رسانه‌ای باید به تقویت اعتماد عمومی بینجامد و بازنمایی‌هایی که از افراد صورت می‌گیرد مطابق با آنچه هست و آنچه که باید باشد، عمل کند.

۵- هم عملیات وعده صادق و هم از دست دادن رئیس‌جمهور به فاصله زمانی کوتاه از هم و واکنش ملت به آنچه که رخ داد، نشان‌دهنده افزایش درک از مفهوم «منافع ملی» بود. علی‌رغم تمام تکتک‌های موجود سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه، درک درست از منافع ملی صرف‌نظر از سلیقه‌های گوناگون و دعوای جاری در جامعه از سطوح خردگرفته تا کلان و بازنمایی‌هایی که می‌بینیم، سهم بودن در نتایج و دستاوردهای مسائل کلان و گاهی سهمگین و در کل موضع‌گیری مثبت به نفع کلیت نظام را رقم می‌زند که در همراهی با هر دو رویداد به شکل عجیبی خود را نشان داد و افراد را با کلیت جامعه پیوند داد تا اصل وحدت در کشور همچنان خدشه‌ناپذیر باقی بماند.

۶- ساز و کار برگزاری انتخابات پیش رو در هر صورت باید با در نظر گرفتن تمام اجزای آن و مدیریت درست فضای انتخاباتی، سرمایه اجتماعی کشور را همچنان در مسیری پیش‌رونده و صعودی نگه دارد تا همچنان در بحران‌های سخت و غیرمتربقه‌گونگون بتواند از این پشتوانه استفاده کند.

فرهنگ‌نخبگان

روزنامه‌نگاران

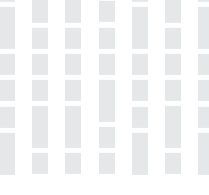
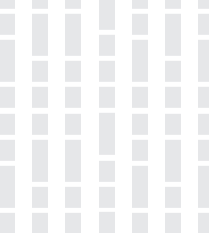
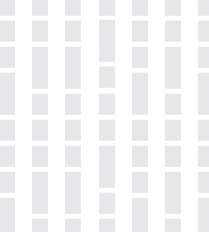
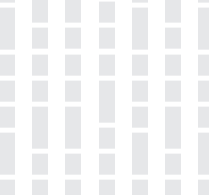


یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۱۵۷

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGADAILY



انتخابات و سرمایه اجتماعی



سهیلا عباس پور خبرنگار گروه زنده حکمرانی

یک دستاورد عمده عملیات غیرمنتظره و موثر وعده صادق که تأیید و تصدیق بخش بزرگی از جامعه ایران را درپی داشت، افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای جایگاه حکمرانی در اذهان عموم بود که در اثر سوءتدبیرهای داخلی و ضعف آن در برخی حوزه‌های اصلی حکمرانی در سرانیشی کاهش بود. این تأیید و همراهی همدلانه از سوی ملت، مهر تأییدی بر شعارهای جمهوری اسلامی و برهم‌زدن نظم موجود در معادلات قدرت و ادبیات حاکم بر روابط بین‌الملل و سیاست خارجی با تأکید بر آرمان‌های جمهوری اسلامی در ابعاد فرامرز بود که نقش تعیین‌کننده کشور در معادلات امنیتی منطقه و روند‌های جاری بین‌المللی درباره برخی مسائل مهم را پیرزنگ‌تر می‌کرد که با وجود همه مشکلات و سختی‌های پیش رو، همچنان با اقتدار حاکمیت و کشنگری مقتدرانه جمهوری اسلامی توافق و تقام دارند.

انتظار می‌رفت با کلیت مثبت نتیجه این عملیات غیرمنتظره و وجوه پدیداری آن بر جامعه ایرانی و در راستای تأکید مسئولان دست‌اندرکار بر پیمودن این مسیر اقتدار با اهتمام بیشتر به مسائل داخلی و بهبود امور حکمرانی، سرمایه اجتماعی در حال افزایش حفظ شده و از ظرفیت‌های آن که پشتوانه حاکمیت و اعمال حکمرانی است، بهره برده و با کاستن از نقایص موجود و پاسخگویی بیشتر به خواسته‌های مردم و روند پرشتاب خدمت‌رسانی در حوزه نیازهای اساسی بنا بر وضع موجود، مشروعیت نظام حکمرانی در عرصه داخلی نیز افزایش یافته و با همراهی همدلانه حاصل از وحدت ملت و یکپارچگی کشور مسیر پیشرفت را قدرتمندانه‌تر و به پشتوانه همین سرمایه اجتماعی پیماید.
دیری نپایید که شیرینی این برد مقتدرانه با رخداد بسیار تلخ و مصیبت ملی درگذشت رئیس‌جمهور و همراهان به کام ملت تلخ شد. با وجود مشکلات و گاریه‌ها از وضعیت نه‌چندان مطلوب امور جاری و برخی ناآرامی‌ها در سال‌های اخیر و همچنین مشارکت

۱۵